

فهرست

- فصل اول / الف - گفتار در دادرسی نخستین ۱۹
- گفتار در دادرسی نخستین ۲۰
- فصل اول / ب - انواع لوایح (قانون تجارت) ۳۳
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / مطالبه وجه چک از ظهرنویس» ۳۴
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / اعتراض به حکم ورشکستگی» ۳۵
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / ورود ثالث در دعوی تخلیه» ۳۶
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» تنفیذ وصیت نامه ۳۷
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» ابطال چک بین بانکی مفقودی ۳۸
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / اعلام بطلان معامله تاجر» ۳۹
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» اعسار مدیر عامل شرکت حقوقی ۴۰
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / مطالبه طلب / فقدان سمت» ۴۱
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» مطالبه سفته از ظهر نویس / مرور زمان ۴۲
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» ابطال معامله تاجر ورشکسته ۴۵
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / مطالبه طلب از موسسه» ۴۷
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» اعلام ورشکستگی ۴۸
- نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / تخلیه عین مستأجره بعلت نیاز شخصی ۴۹
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» مطالبه وثیقه از ضامنین ۵۰
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی حقوقی» آزادسازی سهام مورد توثیق / اعلام بطلان و بی اعتباری ظهرنویسی و سفته تضمینی ۵۱
- «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / صدور حکم ورشکستگی» ۵۳

- ۵۴ «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / صدور حکم ورشکستگی».....
- ۵۵ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی با اعلام وکالت» مطالبه وجه / ضمانت مدت دار ۵۵
- ۵۷ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی» ظهرنویس ناقل / ضامن / چک..... ۵۷
- ۵۸ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی با اعلام وکالت» ضمانت اسناد تجاری..... ۵۸
- ۶۰ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی / مطالبه طلب از ضامن مهر»..... ۶۰
- ۶۱ «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / صدور حکم بر تخلیه عین مستأجره»..... ۶۱
- ۶۲ «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی/ مطالبه وجه سفته بنحو تضامن»..... ۶۲
- ۶۳ «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی / دادگاه حقوقی» اعلام بطلان شرط داوری در قرارداد..... ۶۳
- ۶۵ «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی/ مطالبه حق کسب و پیشه و تجارت»..... ۶۵
- ۶۶ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی/ مطالبه وجه چک از ظهرنویس»..... ۶۶
- ۶۷ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی/ مطالبه حق سرقتی»..... ۶۷
- ۷۱ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی» مطالبه وجه سفته وخواست نشده / ضم- نقل ذمه ۷۱
- ۷۲ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی با اعلام وکالت» ورشکستگی/ مواعد..... ۷۲
- «نمونه لایحه دفاعیه شکلی / جلسه اول رسیدگی» حدود و اختیارات نماینده شرکت در دادرسی/ اثبات مالکیت
دارای سابقه ثبتی ۷۳
- ۷۶ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی/ ابطال معامله تاجر بعلت صدور حکم ورشکستگی»..... ۷۶
- ۸۰ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی/ الزام به ایفاء تعهدات تجارتي»..... ۸۰
- «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / جلسه اول رسیدگی» مطالبه حق کسب و پیشه و تجارت از سوی (پزشک / وکیل)
۸۲ ۸۲
- ۸۴ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی» مطالبه وجه چک مشمول مرور زمان / ضمانتی ۸۴
- ۸۸ «نمونه لایحه دفاعیه خوانده / اثبات مالکیت/ ابطال سند رسمی»..... ۸۸
- ۹۰ «نمونه لایحه خواهان / پاسخ به لایحه دفاعیه خوانده» مطالبه حق سرقتی و غیره..... ۹۰
- ۹۲ «نمونه لایحه تبادل/ پاسخ وکیل خواهان به خوانده» (در جلسه اول رسیدگی حقوقی)..... ۹۲
- «نمونه لایحه خواهان / پاسخ به لایحه دفاعیه خوانده» الزام به پرداخت هزینه‌های اجرائی و مزایده و نیم عشر و
استرداد لاشه چک..... ۹۳
- ۹۴ «نمونه لایحه خواهان / پاسخ به لایحه دفاعیه خوانده / مطالبه طلب از تاجر ورشکسته»..... ۹۴
- ۹۸ «نمونه لایحه خواهان / پاسخ به لایحه دفاعیه خوانده / قراردادهای بانکی»..... ۹۸
- ۱۰۰ «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده» مطالبه وجه سفته ۱۰۰
- ۱۰۱ «نمونه لایحه خواهان / پاسخ به لایحه دفاعیه خوانده / ورشکستگی»..... ۱۰۱
- ۱۰۲ «نمونه لایحه خواهان / پاسخ به لایحه دفاعیه خوانده / ابطال معامله»..... ۱۰۲

- «نمونه لایحه تبادل / پاسخ وکیل خواهان به خوانده» (در جلسه اول رسیدگی حقوقی / الزام به ایفای تعهدات قانونی وثیقه)..... ۱۰۵
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی از رأی محکمه نخستین / تضامن / شرکت‌های تجاری»..... ۱۰۶
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / اعتراض به رأی محکمه بدوی / سرقتی»..... ۱۰۷
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / از رأی دادگاه حقوقی / توقف»..... ۱۱۱
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / اعتراض به رأی محکمه بدوی / سرقتی»..... ۱۱۲
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / از رأی دادگاه حقوقی / دلال»..... ۱۱۵
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / صدور قرار رد دعوی تاجر»..... ۱۱۷
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / ورشکستگی»..... ۱۱۸
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / اسناد تجاری»..... ۱۱۹
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / سرقتی»..... ۱۲۱
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی»..... ۱۲۳
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» شمول مرور زمان در اسناد تجاری..... ۱۲۵
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی از رأی» سفته فاقد اوصاف حمایتی قانون تجارت..... ۱۲۶
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی از رأی» قائم مقام / نمایندگی..... ۱۲۸
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / از رأی دادگاه حقوقی» «الزام به پرداخت ثمن و خسارت قراردادی با مسئولیت تضامنی»..... ۱۳۰
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی از رأی حقوقی» خسارت تأخیر در تأدیه..... ۱۳۲
- «لایحه / تجدیدنظر خواهی / اعلام ورشکستگی»..... ۱۳۳
- «لایحه / تبادل لوایح مرحله تجدیدنظر» اثر خط کشیدن روی کلمه حواله کرد در چک..... ۱۳۴
- «لایحه / تجدیدنظر خواهی / قرار عدم استماع دعوی»..... ۱۳۶
- «لایحه / تجدیدنظر خواهی»..... ۱۳۹
- «لایحه / محکومیت بنحو تضامن با مسئول و تصدی حمل و نقل به پرداخت خسارت»..... ۱۴۱
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / اعلام بطلان معامله و اسناد رسمی بعلت صدور حکم ورشکستگی..... ۱۴۳
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» مبلغ اسمی سفته / قانون تجارت..... ۱۴۴
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» «صدور قرار عدم استماع دعوی مطالبه حق سرقتی و صدور حکم بر تخلیه عین مستأجره بعلت تخلف»..... ۱۴۵
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی» مواعد / ظهر نویس / ضامن / اسناد تجاری..... ۱۵۱
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / الزام به پرداخت وجه سفته از ضامن»..... ۱۵۳
- «نمونه لایحه تجدیدنظر خواهی / پذیرش اعسار و تقسیط محکوم به»..... ۱۵۴

- ۱۵۵..... «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی / محکومیت ضامن به پرداخت وجه سفته».
- ۱۵۶..... «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی / قرار رد دعوی اعسار به تقسیط».
- ۱۵۷..... «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی از رأی محکمه نخستین / شرکت‌های تجاری».
- ۱۵۸..... «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی/ تضامن و مسئولیت شرکت‌های تجاری».
- «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی از رأی محکمه نخستین» مطالبه حق کسب، پیشه، تجارت از طرف احد از وراث
۱۵۹.....
- ۱۶۰..... «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی از رأی محکمه نخستین/مدیران شرکت‌های تجاری».
- ۱۶۱..... «نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی / اشخاص حقوقی / قانون تجارت».
- ۱۶۲..... «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» سمت وکیل در شرکت‌ها
- ۱۶۳..... «لایحه / تبادل لوایح مرحله تجدیدنظر».
- ۱۶۴..... «لایحه / تبادل لوایح مرحله تجدیدنظر».
- ۱۶۵..... «لایحه / تبادل لوایح مرحله تجدیدنظر».
- ۱۶۶..... «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» شرکت در حال تصفیه.....
- ۱۶۸..... «نمونه لایحه تبادل مرحله تجدیدنظر حقوقی» سفته فاقد حمایت قانون تجارت (سند عادی).....
- ۱۷۰..... «نمونه لایحه تکمیلی تبادل تجدیدنظرخواهی» ابطال عملیات اجرائی.....
- ۱۷۳..... «نمونه لایحه تبادل در مرحله فرجامی/ ابطال تصمیم شرکت تجاری/ شخص ثالث».....
- ۱۷۵..... «نمونه لایحه پاسخ وکیل خواهان اعاده دادرسی به دفاعیات خوانده».....
- ۱۷۶..... «نمونه لایحه اجرائی».....

فصل دوم / الف - «پرونده کیفری» مواد ۱۴۷ و ۲۲۶ و ۲۵۸ قانون تجارت ۱۷۷

- ۱۷۸..... نمونه شکایت کیفری / سوءاستفاده از اموال و اعتبارات شرکت و... ..
- ۱۸۲..... نمونه شکایت و لایحه وکیل دوم شاکی.....
- ۱۸۷..... نمونه لایحه وکیل شاکی.....
- ۱۸۸..... نمونه لایحه وکیل شاکی.....
- ۱۸۹..... نمونه کیفرخواست دادسرا.....
- ۱۹۰..... نمونه لایحه وکیل دوم شکایه به دادگاه (کیفری دو).....
- ۱۹۱..... نمونه لایحه وکیل شاکی در دادگاه کیفری دو.....
- ۱۹۸..... نمونه رأی دادگاه کیفری دو / محکوم شدن متهم.....
- ۲۰۱..... نمونه اعتراض وکلای متهم (محکوم علیه) به حکم محکومیت موضوع دادنامه (مرحله تجدیدنظر).....

- نمونه لایحه تکمیلی وکیل محکوم‌علیه (مرحله تجدیدنظر)..... ۲۱۶
- نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی (محکوم‌له) شاکی..... ۲۲۱
- نمونه لایحه وکلای محکوم‌له (تبادل لوائح)..... ۲۲۵
- نمونه لایحه وکیل شاکی (تکمیلی)..... ۲۲۸
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی ضمن تقلیل و تخفیف مجازات..... ۲۴۰
- نمونه لایحه / اعاده دادرسی..... ۲۴۳

فصل دوم / ب- تنظیم ترازنامه موهوم ۲۴۸

- نمونه شکایت کیفری / تنظیم ترازنامه موهوم..... ۲۴۹
- نمونه مکاتبه وکیل با کارشناس منتخب..... ۲۵۱
- نمونه نظر کارشناس رسمی..... ۲۵۴
- نمونه توضیحات متهم خطاب به هیئت کارشناسان..... ۲۷۲
- نمونه لایحه وکلای متهم در دادسرا..... ۲۸۳

فصل دوم / ج- جزوه استاد (حقوق تجارت) ۲۹۲

- «حقوق تجارت»..... ۲۹۳

فصل دوم / د- آراء و نظریات قضایی (اسناد تجاری) ۳۲۴

- رأی شماره ۲۷۸۷ - ۱۳۳۰/۹/۱۲..... ۳۲۵
- رأی شماره ۲۱۶ - ۱۳۳۵/۱۰/۲۵..... ۳۲۶
- رأی شماره ۲۷۱۴ - ۱۳۳۶/۶/۲۰..... ۳۲۸
- رأی شماره ۴۰۷۴ - ۱۳۳۶/۹/۳..... ۳۲۹
- رأی شماره ۵۴۸ - ۱۳۳۸/۲/۴..... ۳۳۱
- رأی وحدت رویه شماره ۲۵۸۹ - ۱۳۳۸/۷/۱..... ۳۳۱
- رأی شماره ۳۲۲۷ - ۱۳۳۱/۸/۷..... ۳۳۲
- رأی شماره ۴۳۹۱ - ۱۳۳۸/۹/۱۷..... ۳۳۳
- رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ - ۱۳۳۹/۹/۱۲..... ۳۳۴
- رأی اصراری شماره ۲۷۸۷ - ۱۳۳۹/۹/۱۲..... ۳۳۷
- رأی اصراری شماره ۳۸۰۱ - ۱۳۳۹/۱۱/۱۷..... ۳۳۸

- رأی اصراری شماره ۱۶۵۴ - ۱۳۴۰/۵/۱۰ ۳۴۰
- رأی اصراری شماره ۳۸۸۶ - ۱۳۴۰/۱۱/۱۰ ۳۴۴
- رأی اصراری شماره ۸۸ - ۱۳۴۱/۱/۲۱ ۳۴۴
- رأی شماره ۲۳۳۱ - ۱۳۴۱/۸/۵ ۳۴۸
- رأی شماره ۴۲۱۲ - ۱۳۴۱/۱۰/۲۷ ۳۵۲
- رأی شماره ۳۸۸۶ - ۱۳۴۱/۱۲/۲۲ ۳۵۳
- رأی شماره ۶۲۵۰ - ۱۳۴۲/۱۲/۲۷ ۳۵۳
- رأی شماره ۱۶۶۸۷ - ۱۳۴۴/۱۰/۹ ۳۵۶
- رأی مورخ ۱۳۴۵/۳/۲۵ ۳۵۹
- رأی اصراری شماره ۶۲۴ - ۱۳۴۵/۴/۲۰ ۳۶۰
- رأی اصراری شماره ۱۶۵۴ - ۱۳۴۰/۵/۱۰ ۳۶۳

فصل سوم - حقوقی ۳۶۹

- نمونه لایحه وکیل خواهان در جلسه اول دادرسی مطالبه خسارت (مسئولیت قراردادی) ۳۷۰
- نمونه لایحه وکیل جدید خواهان بخواسته مطالبه خسارات ناشی از عدم انجام تعهد ۳۷۵
- نمونه (پرداخت وام) علیه بانک - مؤسسه مالی ۳۷۵
- نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی از رأی مندرج در دادنامه عقود و تعهدات عرفی ۳۷۸
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده (جلسه اول رسیدگی) بخواسته: ابطال معامله صوری (قصد فرار از دین) ۳۸۰
- نمونه لایحه وکیل خواننده (خریدار) / با موضوع تقاضای ابطال معامله از طرف بانک مرتهن ۳۸۱
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده (جلسه اول رسیدگی) (اخذ به شفعه) ۳۸۶
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده (جلسه اول رسیدگی) (عقد شرکت) / شرکت‌های تجاری بخواسته اعلام انحلال شرکت و تقسیم مال شرکت ۳۹۰
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده (جلسه اول رسیدگی) بخواسته: الزام به رد عین مال مورد ودیعه ۳۹۳
- نمونه لایحه وکیل خواهان در جلسه اول رسیدگی (موضوع عقد صلح) / درخواست مطالبه عقد صلح به علت تعارض با قواعد نظم عمومی ۳۹۸
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده (جلسه اول رسیدگی) / با عنوان مطالبه ثمن و خسارات وارده به علت فضولی بودن مال غیرمنقول ۴۰۱
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: حواله ۴۰۶
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: اجاره ۴۱۱
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خواننده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: غضب ۴۲۰

- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: اجرای اختیاری عهد
۴۲۴.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: شرایط استیفاء از مال
غیر..... ۴۳۱.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: کفالت..... ۴۳۶.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: بیع..... ۴۴۴.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: عاریه..... ۴۴۹.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: سرقت..... ۴۵۴.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: کسب و پیشه و
تجارت..... ۴۷۲.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: سرقت..... ۴۸۱.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در خواست بطلان عقد بیع بلحاظ تحقق شرط فاسخ
..... ۴۸۹.....
- نمونه لایحه وکیل خواهان در برابر ادعای وقوع عقد بیع از طرف خوانده..... ۴۹۰.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده تقابل (به خواسته تأیید و تنفیذ (اعلام) فسخ معامله به علت خیار غبن فاحش)
..... ۴۹۲.....
- نمونه رأی دادگاه عمومی حقوقی..... ۵۰۲.....
- نمونه رأی دادگاه رد دعوی اعلام فسخ به علت خیار غبن فاحش..... ۵۰۳.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع فسخ نکاح..... ۵۰۵.....
- نمونه رأی دادگاه / حکم بر رد دعوی تنفیذ فسخ نکاح به علت خیار تدلیس..... ۵۱۵.....
- آسیب شناسی قوانین (ماهیت حقوقی طلاق قضایی)..... ۵۱۶.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان با موضوع: حق حبس زوجه ۵۱۹
نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده در جلسه اول رسیدگی در برابر دعوی خواهان به خواسته: طلاق قضایی بعلت
عسر و حرج..... ۵۲۶.....
- نمونه لایحه دفاعیه خوانده (جلسه اول رسیدگی) با موضوع تعیین نخله و الزام به پرداخت آن..... ۵۳۷.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده دعوی تقابل به خواسته فسخ نکاح به علت فقدان وصف (باکره بودن)..... ۵۳۸.....
- نمونه لایحه وکیل خواهان (تأمین خواسته) جهت توقیف مال غیر منقول فاقد سابقه ثبتی..... ۵۳۹.....
- نمونه لایحه اعتراضیه محکوم علیه به توقیف (مسکن و مستثنیات دین)..... ۵۴۴.....
- نمونه لایحه دفاعیه وکیل خوانده - جلسه اول رسیدگی به خواسته مطالبه سهم الارث از ماترک زوج متوفی..... ۵۵۲.....

فصل چهارم - دستور فروش ۵۵۳

- ۵۵۴..... نمونه تقاضای صدور دستور فروش ملک مشاع.....
- ۵۵۵..... نمونه رأی دادگاه / حکم (دستور) فروش ملک مشاع.....
- ۵۵۷..... نمونه دادخواست وخواهی، خواندگان غیابی.....
- ۵۶۱..... نمونه لایحه وخواهی وکلای وخواه.....
- ۵۷۰..... نمونه رأی دادگاه / رد درخواست وخواهی و تأیید دادنامه وخواسته.....
- ۵۷۱..... نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی وکلای محکوم علیه به دادگاه تجدیدنظر استان.....

فصل پنجم - تقاضای تنفیذ توافقنامه و دعوی تقابل به خواسته ابطال تقسیم و تقسیم نامه ۵۷۸

- ۵۷۹..... نمونه صدور حکم بر تنفیذ و اجرای قرارداد و توافقنامه عادی.....
- ۵۸۱..... نمونه دعوی متقابل / بخواسته ابطال تقسیم و تقسیم نامه عادی.....
- ۵۸۴..... نمونه لایحه اداره اوقاف.....
- ۵۸۶..... نمونه طرح شکایت انتظامی علیه قاضی دادگاه.....

فصل ششم - اعسار به تقسیط ۵۸۹

- ۵۹۰..... نمونه رأی دادگاه بدوی / قبول اعسار و تقسیط مهر.....
- ۵۹۱..... نمونه برگ دادخواست تجدیدنظرخواهی (اعسار به تقسیط).....
- ۵۹۲..... نمونه لایحه دفاعیه وکیل.....
- ۵۹۴..... نمونه لایحه تبادل وکیل تجدیدنظرخوانده.....

فصل هفتم - سایر لوایح ۵۹۶

- ۵۹۷..... نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی به دادگاه تجدیدنظر استان.....
- ۵۹۹..... نمونه رأی دادگاه عمومی حقوقی / الزام به پرداخت حصه.....
- ۶۰۲..... نمونه لایحه فرجام خواهی وکیل خواهان بدوی.....
- ۶۰۵..... نمونه لایحه جهاد کشاورزی خطاب به دادگاه.....
- ۶۰۶..... نمونه لایحه دفاعیه اداره اوقاف بخواسته ابطال عقد اجاره و سند اجاره.....
- ۶۰۹..... نمونه دادخواست بخواسته ابطال عقد و ابطال اجاره نامه.....
- ۶۱۲..... نمونه لایحه در امور حقوقی (خانواده).....
- ۶۱۳..... نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر بی حقی با اتیان سوگند خوانده.....

- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان تأیید دادنامه بدوی ۶۱۴
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر بطلان دعوی ۶۱۵
- نمونه رأی دادگاه عمومی / صدور قرار رد دعوی ۶۱۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان نقض دادنامه و اعاده پرونده ۶۱۷
- نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر محکومیت، پرداخت اجرت المثل ایام زندگی مشترک ۶۱۸
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان با اصلاح، تأیید دادنامه ۶۱۹
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان تأیید دادنامه بدوی ۶۲۰
- نمونه لایحه مرحله تجدیدنظر در اعتراض به حکم رفع تصرف و ۶۲۱
- نمونه لایحه وکیل شاکی، ضرب و جرح عمدی ۶۲۴
- نمونه لایحه دفاعیه وزارت راه و شهرسازی ۶۲۸
- نمونه رأی دادگاه / رد دعوی اعتراض ثالث ۶۳۰
- نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی در مرحله تجدیدنظر ۶۳۱
- نمونه رأی کمیته انضباطی بانک ۶۳۸
- نمونه رأی هیئت تشخیص اداره کار ۶۴۰
- نمونه رأی هیأت حل اختلاف / رد اعتراض ۶۴۱
- نمونه تقدیم دادخواست به دیوان عدالت اداری در اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف اداره کار ۶۴۲
- نمونه متن آیین نامه انضباطی بانک ۶۴۴
- نمونه تقاضای تغییر تصمیم کمیته انضباطی مورخ ۱۳۹۰/۴/۱۳ و اعمال مقررات ماده ۲۲ آیین نامه اصلاحی
کمیته انضباطی ۶۵۳
- نمونه دادخواست طلاق به علت عسر و حرج ۶۵۴
- نمونه رأی دادگاه خانواده / طلاق ۶۵۷
- نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی مرحله تجدیدنظر ۶۵۹
- نمونه رأی دیوان عالی کشور / طلاق ۶۸۱

فصل هشتم - انواع دیگر لایحه و احکام و دادخواستها ۶۸۶

- نمونه لایحه دفاعیه / در برابر دعوی خواهان به خواسته اثبات زوجیت ۶۸۷
- نمونه تصمیم دادگاه تجدیدنظر استان نقض و اعاده پرونده ۶۸۹
- نمونه رأی دادگاه عمومی / صدور حکم بر محکومیت ۶۹۱
- نمونه اعتراض وکیل محکوم علیه به رأی مندرج در دادنامه ۶۹۲

- ۶۹۳..... نمونه رأی دادگاه / خلع بد.....
- ۶۹۶..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / رد اعتراض.....
- ۶۹۷..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی.....
- ۷۰۰..... نمونه رأی دادگاه / صدور قرار رد دعوی اعسار به تقسیط محکوم به.....
- نمونه دادخواست از طرف مستأجر عرصه (رقبه وقفی) و مالک اعیان به خواسته اثبات مالکیت - اعلام بطلان عقد
بیع - خلع بد.....
- ۷۰۱.....
- ۷۰۴..... نمونه رأی دادگاه کیفری دو / آدم ربائی.....
- ۷۰۵..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی.....
- ۷۰۶..... نمونه رأی شورای حل اختلاف / بطلان معامله.....
- ۷۰۹..... نمونه تصمیم شورا / عدول از دستور تخلیه.....
- ۷۱۰..... نمونه رأی دادگاه عمومی / نقض رأی مندرج در دادنامه و حکم بر بطلان دعوی.....
- ۷۱۱..... نمونه دستور توقف عملیات اجرائی (توقیف ملک توسط اداره ثبت).....
- ۷۱۲..... نمونه رأی دادگاه در ماهیت دعوی / ابطال اجرائیه ثبتی.....
- ۷۱۳..... نمونه رأی دادگاه / قرار عدم استماع دعوی اعلام فسخ.....
- ۷۱۴..... نمونه رأی دادگاه کیفری / ایراد ضرب و جرح عمدی.....
- ۷۱۵..... نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان اعمال تخفیف و تأیید دادنامه بدوی.....
- ۷۱۶..... نمونه رأی دادگاه / مطالبه خسارت از شهرداری.....
- ۷۱۸..... نمونه رأی دیوان عدالت اداری الزام به تبدیل وضعیت خدمتی.....
- ۷۲۰..... نمونه رأی دیوان عدالت اداری الزام به پذیرش و احتساب سنوات.....
- ۷۲۱..... نمونه رأی دیوان عدالت اداری اعتراض به رأی کمیسیون ماده صد شهرداریها.....
- ۷۲۲..... نمونه رأی دیوان عدالت اداری ابطال ماده ۱۵۱ قانون استخدام کشوری و.....
- ۷۲۳..... نمونه درخواست اعاده دادرسی از دیوان رد اعاده دادرسی.....
- ۷۲۴..... نمونه طرح دعوی مجدد / صدور قرار رد شکایت بلحاظ اعتبار امر مختوم.....
- ۷۲۵..... نمونه رأی دیوان عالی کشور / اعاده دادرسی.....
- ۷۲۷..... نمونه دادخواست به دیوان عدالت اداری درخواست نقض کمیسیون ماده ۱۲۲ قانون ناجا.....
- ۷۳۳..... چند رأی وحدت رویه.....
- ۷۳۵..... نمونه کیفرخواست دادستان / تخریب عمدی.....
- ۷۳۶..... نمونه لایحه دفاعیه / اتهام تخریب عمدی.....
- ۷۳۸..... نمونه قرار مجرمیت از دادسرا - خیانت در امانت و سرقت و.....

- ۷۴۱..... نمونه دادخواست مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم.....
- نمونه دادخواست اعلام اعتبار عقد صلح موضوع سند عادی (صلحنامه) و الزام به تنظیم سند رسمی دریافت مهر
۷۴۳.....
- ۷۴۵..... نمونه رأی دادگاه اعلام اعتبار عقد صلح موضوع سند عادی.....
- ۷۴۶..... نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی وکیل به قرار عدم استماع دادگاه نخستین.....
- ۷۵۴..... نمونه رأی دادگاه عمومی حقوقی / الزام خوانده (زوجه) به تنظیم سند رسمی ابراء مهر.....
- ۷۵۶..... نمونه رأی دادگاه کیفری دو / محکومیت و برائت.....
- ۷۵۹..... نمونه لایحه تجدیدنظرخواهی محکوم علیه.....
- ۷۶۱..... «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی».....
- ۷۶۲..... «نمونه لایحه دفاعیه / جلسه اول رسیدگی».....
- ۷۶۳..... «نمونه لایحه وکیل واخوانده در جلسه رسیدگی».....
- ۷۶۴..... «نمونه لایحه فرجامی/مستحق للغیر درآمدن مبیع».....
- ۷۶۵..... «نمونه لایحه دفاعیه/اجرت المثل از زندگی مشترک».....
- ۷۶۶..... «نمونه لایحه دفاعیه/گواهی عدم امکان سازش».....
- ۷۶۷..... «نمونه لایحه دفاعیه/تأیید فسخ با خیار تأخیر ثمن».....
- ۷۶۹..... «نمونه لایحه دفاعیه خوانده/ جلسه اول رسیدگی حقوقی» خلع ید از طرف بانک.....

فصل نهم / الف- بررسی نمونه یک رأی از لحاظ قواعد نگارش ۷۷۴

- ۷۷۵..... نمونه رأی دادگاه / تعیین تکلیف.....
- ۷۷۶..... نمونه بررسی رأی از لحاظ قواعد نگارش.....

فصل نهم / ب- یادآوری دروس (جزوه استاد) (حقوق مدنی ۴) وقایع حقوقی ۷۷۸

- ۷۷۹..... مدنی ۴ دوره مقدماتی حقوق مدنی وقایع حقوقی.....

«و هو المدبّر الامور»

مقدمه

فلسفه وجودی نظام قضائی «عدالت» است ولی عدالت مفهومی بسیار گسترده دارد که به طور کلی، به عدالت اقتصادی، اجتماعی و قضائی تقسیم می‌شود و هر کدام از این بخش‌ها در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. متصدی و مسؤول اصلی تحقق عدالت حکومت است^(۱). در واقع می‌توان گفت که در جهان‌بینی اسلامی، هدف اصلی حکومت تحقق عدالت است.

حکومت یک سیستم بزرگ بسیار پیچیده است که از سیستم‌های کوچک‌تر تشکیل شده و قوه قضائیه یکی از سیستم‌های آن محسوب می‌شود. حکومت وظیفه دارد از طریق ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف خود با و با سازوکارهای مناسب عدالت را در جامعه تحقق بخشد^(۲). قوه قضائیه هم یکی از ارگان‌های حکومت است که با این هدف هماهنگ است.

اصل ۱۵۶ قانون اساسی که عین آن در این گفتار ذکر شده است. ضمن تأکید بر استقلال قوه

^۱ - اصل سوم قانون اساسی که در واقع ترسیم‌کننده و بیان‌کننده برنامه حکومت اسلامی است چنین مقرر داشته است: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: ۱. ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی. ۲. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۳. آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح تحصیل و تعمیم آموزش عالی. ۴. تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان. ۵. طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. ۶. محو هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی. ۷. تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون. ۸. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۹. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی. ۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور. ۱۱. تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور. ۱۲. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه. ۱۳. تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی و امور نظامی. ۱۴. تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در مقابل قانون. ۱۵. توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم. ۱۶. تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.

^۲ - الملك یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم. لیقوم الناس بالقسط.

قضائیه، آن را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت معرفی کرده و وظایفش را برشمرده است.

از سه نوع عدالتی که در آغاز از آنها نام برده شد بخش آخر یعنی عدالت قضائی، وظیفه قوه قضائیه است که متشکل از دو بخش اصلی عمومی و تخصصی است.

قوه قضائیه به مفهوم عام

قوه قضائیه در عین حال که یکی از سه قوه اصلی حکومت و همپراز آنهاست و همزمان با دو قوه دیگر فعالیت می‌کند، در حقیقت، وظیفه‌اش در طول دو بخش دیگر قرار دارد؛ یعنی اگر حکومت نهایت تلاش خود را برای تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی به عمل بیاورد و با این وصف، باز هم ناهنجاری‌هایی در اجتماع بروز کند، نظام قضائی وارد عمل می‌شود که با سازوکارهای ویژه خود ناهنجاری را برطرف و درمان کند. مثالی در عرصه سلامتی به روشن شدن موضوع کمک می‌کند: برای تحقق سلامتی مردم اجتماع، ارگان‌های مختلفی فعال هستند: بخشی مسؤول نظارت بر مواد غذایی، بخشی مسؤول حفاظت از محیط زیست. بخشی مسؤول نظافت اماکن عمومی. بخشی مسؤول پیشگیری از بیماری‌ها و بالاخره، بخشی به عنوان پزشک، مسؤول درمان بیماری‌ها هستند. پزشکان در واقع نقش نهایی را در این پروسه بازی می‌کنند؛ یعنی در عرصه سلامتی و بهداشت جامعه و اگر با وجود نظافت اماکن عمومی، کنترل مواد غذایی، کنترل محیط زیست و واکسیناسیون باز هم کسانی بیمار شوند، نوبت پزشک است که به درمان بیماری بشتابد. بنابراین، اگر بر تغذیه مردم نظارتی نشود، اگر محیط زیست حفظ نشود، اگر اماکن عمومی نظیف و پاکیزه نباشند اگر مردم در مقابل بیماری‌های واگیر واکسینه نشوند واقعا از دست پزشک در تحقق سلامتی عمومی کار زیادی ساخته نیست. وظیفه نظام قضائی مشابه وظیفه پزشک است که با حداکثر کارایی خود می‌تواند به صورت موردی، به کسانی که به علت عدم انجام وظیفه بقیه ارگان‌ها و یا علل دیگر گرفتار شده‌اند کمک کند. همان طور که از پزشک نمی‌توان انتظار داشت که کاری بکند که انسان‌ها بیمار نشوند، از قوه قضائیه هم نمی‌توان انتظار داشت که مانع بروز ناهنجاری در اجتماع شود و فقط در حداکثر کارایی خود، می‌تواند ناهنجاری‌هایی را که در اثر کم‌کاری و یا بطالت ارگان‌های دیگر یا به سبب فقر و یا علل دیگر به وجود آمده است، برطرف کند. بنابراین، نقش نظام قضائی در اجرای عدالت، نقشی درمانی است. همان گونه که پزشک حاذق می‌تواند بیمار را

طوری درمان کند که بیماری عود نکند و یا بیماری دیگری پدید نیاید، نظام قضائی کارآمد هم می‌تواند ناهنجاری‌های پدید آمده در یک اجتماع به سامان را طوری رفع کند که عود ننماید ولی اگر دو بخش دیگر عدالت تعطیل یا ناکارآمد باشند. اولاً، نظام قضائی هم تعطیل یا نیمه تعطیل خواهد شد. ثانیاً، در حداکثر کارآیی هم فایده عملی نخواهد داشت.

بنا به مراتب معنونه در فوق:

چشم می‌دارم تا نواقص کار به رأی صائب شما کاربران ارجمند به اصلاح درآید و از نواقص فراوان آن کاسته شود.

نگارنده / جعفر اخترنیا

فصل اول / الف

گفتار در دادرسی نخستین

نکته:

تفاوت فنّ دفاع با بانک لوائج و اسپرلوس، در وجود پرونده کامل از یک دادرسی است.

گفتار در دادرسی نخستین

رسیدگی به اختلافات مدنی که اصطلاحاً «دعای» نامیده می‌شود در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحله نخستین و مرحله تجدیدنظر. آغاز رسیدگی از مرحله نخستین است و بعد از اینکه دادگاه در این مرحله حکم خود را صادر کرد در اغلب دعاوی هریک از طرفین یا هر دو آنان می‌توانند تجدیدنظرخواهی کنند و در این صورت موضوع یک بار دیگر در مرحله تجدیدنظر مطرح می‌شود پس منظور از دادرسی نخستین، رسیدگی قضائی مرحله اول است که در واقع آغاز دعا و مهم‌ترین بخش دعوا است زیرا در واقع زیربنای دعوا در همین مرحله نخستین، گذاشته می‌شود. آغاز دعوا قانوناً تشریفاتی دارد، ماده ۴۸ قانون آ.د.م. در این خصوص مقرر می‌دارد:

شروع رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است، به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد.

در این ماده نکات زیر قابل توجه است:

گفتار اول - دادخواست

دادخواست^(۱) که سابقاً «عرضحال» هم نامیده می‌شد، در قانون تعریف خاصی ندارد و حقوق دانان آن را یک «سند قضائی» که به معنی درخواست رسیدگی به دعوا است و هم یک اصطلاح به معنای مطلق «دادخواهی کردن» دانسته‌اند^(۲). در حال حاضر اصطلاح دادخواست برای معرفی «فرم» خاصی به کار می‌رود که به صورت چاپی تنظیم و جدول‌بندی شده و در آن محل‌های خاصی برای درج نام طرفین و موضوع اختلاف و دلایل اثبات و شرح ماجرا در نظر گرفته شده است و انواع مختلف دارد که مهم‌ترین آنها دادخواست نخستین^(۳)، دادخواست تجدیدنظر^(۴)، دادخواست

^۱ - application - Lassignation.

^۲ - ر.ک دکتر عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، ج ۲، ن. میزان، ص ۱۴. همچنین دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ج ۲، ص ۲۷۱.

^۳ - plaintiffs action before the court of first instance.

^۴ - ition before the court of appealspet.

داوری^(۱) و دادخواست فرجام^(۲) است. ماده ۵۱ قانون آ.د.م. در خصوص دادخواست نخستین مقرر می‌دارد:

«دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ‌های چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد:

۱. نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه، و حتی الامکان شغل خواهان.
 - تبصره - در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.
 ۲. نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.
 ۳. تعیین خواسته و بهای آن^(۳) مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.
 ۴. تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.
 ۵. آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.
 ۶. ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.
 ۷. امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضا، اثر انگشت او.
- تبصره ۱. اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان، به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد.
- تبصره ۲. چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی نوشته خواهد شد.»
- دادخواست اولین و مهم‌ترین اقدامی است که شخص برای اثبات حق خود می‌کند و لازم است از جهت شکل و محتوا کامل باشد. اگر بخواهیم به ساختمان تشبیه کنیم باید بگوییم که دادخواست مرحله طراحی، محاسبات و پی ساختمان است.

^۱ - statement of claim (این اصطلاح در ایران متداول نیست و در حقوق داوری غربی متداول است).

^۲ - petition before the supreme court or court of cassation.

^۳ - برای مطالعه بیشتر در خصوص بهای خواسته و نحوه تعیین آن به مواد ۶۱ الی ۶۳ قانون آ.د.م. و قانون وصول برخی از درآمدهای دولت منتشر شده در جلد یکم از مجموعه ۵ جلدی راهنمای جامع آیین نگارش حقوقی تألیف نگارنده مراجعه کنید.

خواهان باید پس از اینکه دادخواست را در نسخه‌هایی به تعداد خوانندگان به اضافه یک نسخه اضافی به ترتیب مذکور تنظیم نمود، هزینه دادرسی را به صورت خرید و ابطال و الصاق تمبر یا نقش نمبر بپردازد و دادخواست خود را به دفتر دادگاه تقدیم کند و به ثبت برساند؛ یعنی مدیر دفتر دادگاه آن را در دفتر مخصوص خودش ثبت کند و شماره آن را که رسید هم محسوب می‌شود به خواهان بدهد.^(۱)

در صورتی که دادخواست فاقد برخی از شرایط مذکور در ماده ۵۱ باشد و یا هزینه دادرسی پرداخت نشده یا کمتر از مقدار قانونی پرداخت شده باشد، به جریان نمی‌افتد و مدیر دفتر دادگاه نقائص دادخواست را کتباً به خواهان اخطار و به او ده روز مهلت می‌دهد که نقائص را رفع کند. این اخطار به «اخطار رفع نقص» مشهور است. در صورتی که نقائص رفع شد، دادخواست به ترتیبی که گفته شد به جریان می‌افتد و اگر در مهلت مقرر رفع نشد، مدیر دفتر دادگاه قرار رد دادخواست صادر می‌کند که البته این قرار قابل اعتراض است و در این صورت قاضی دادگاه کار مدیر دفتر را با قانون می‌سنجد و اگر آن را درست تشخیص داد، تأیید می‌کند و در غیر این صورت قرار را نقض می‌کند و مطابق دستور قاضی دادگاه عمل می‌شود. ماده ۵۴ قانون آ.د.م. مقرر می‌دارد:

در موارد یاد شده ماده قبل، مدیر دفتر دادگاه ظرف دو روز نقائص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می‌دهد تا نقائص رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می‌کند، رد می‌گردد. این قرار به خواهان ابلاغ می‌شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به همان دادگاه شکایت نماید. رأی دادگاه در این خصوص قطعی است.

گفتار دوم - ابلاغ

ابلاغ در لغت به معنای رساندن^(۲) است و منظور از آن رساندن پیام یا یک موضوع حایز اهمیت است کما اینکه باری تعالی به پیامبر (ص) دستور می‌دهد: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک...»^(۳) در آیین دادرسی منظور از ابلاغ^(۴) این است که موضوع دعوا یا دعوتنامه یا اظهارنامه یا

^۱ - هم اکنون با رواج رایانه عملاً، اولین ثبت دادخواست در رایانه انجام می‌گیرد.

^۲ - ر.ک. علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج ۱.

^۳ - ای پیامبر! آنچه را که از طرف خدای تو بر تو نازل شده است، ابلاغ کن. قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۶۷.

^۴ - notification or communication.

احضاریه یا اخطاریه یا تصمیم قضائی یا حکم دادگاه یا هر موضوع دیگری که اثر حقوقی دارد، به اطلاع شخص مورد نظر برسد ولی چون همیشه این امکان وجود ندارد که به شخص مورد نظر دسترسی باشد بنابراین قانونگذار معیارها و روش‌هایی را به صورت نوعی پیش‌بینی کرده است که اگر به شخص مخاطب دسترسی نباشد، عادتاً با رعایت روش‌های مذکور شخص مطلع می‌شود. ابلاغ یکی از اساسی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مباحث در دادرسی محسوب می‌شود. به طوری که گفته‌اند؛ اگر دادگاه از زبردست‌ترین دادرسان تشکیل شود هر گاه دستگاه ابلاغ آن خوب کار نکند، فلج و دعاوی در آن متراکم می‌شود.^(۱) از آنجا که ابلاغ آثار حقوقی مهمی دارد تعیین محل اقامت طرفین و دقت در ابلاغ اوراق دادرسی به اصحاب دعوا ضرورت حیاتی دارد. در صورت وجود نقص مدیر دفتر از تاریخ ابلاغ ظرف ده روز به خواهان مهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند و اگر خواهان در مهلت مقرر رفع نقص ننمود، قرار رد دادخواست صادر می‌کند. با همین یک نمونه اهمیت ابلاغ تا حدی روشن می‌شود. از آغاز دعوا تا پایان آن و تا مراحل بعدی دادرسی، همواره طرفین دعوا با موضوعی به نام ابلاغ درگیر هستند و یکی از معضلات نظام قضائی، ما و شاید معضلات بسیاری از نظام‌های قضائی، مسئله ابلاغ است. به طوری که در کشور فرانسه ابلاغ و اجرا در دست صنفی از وابستگان دادگستری است به نام *Huissier* که در عرض وکلا و سردفتران اسناد رسمی و دفترداران دادگاه‌ها هستند.^(۲) ابلاغ بر دو نوع است: «**ابلاغ واقعی**»^(۳) و «**ابلاغ قانونی**»^(۴). در قانون آ.د.م. مقررات ابلاغ در مبحث ابلاغ دادخواست مطرح شده است و گویی این مقررات اختصاص به ابلاغ دادخواست دارد ولی چنین نیست و مقررات عمومی ابلاغ برای تمام مواردی که قانون اطلاع دادن به شخصی را لازم می‌داند همان است و ما مقررات عمومی دیگری نداریم. بنابراین در هر مورد که ابلاغ ضرورت داشته باشد اگر مقررات خاصی برای آن وجود نداشته باشد^(۵) ما باید به مقررات عمومی ابلاغ که ظاهراً برای ابلاغ دادخواست تصویب شده است،

^۱ - دکتر احمد متین دفتری.

^۲ - دکتر احمد متین دفتری.

^۳ - actual notice.

^۴ - constructive notice.

^۵ - قانون داوری تجاری بین‌المللی در مورد ابلاغ، مقررات ویژه‌ای دارد همچنین در داوری داخلی هم چون داوران تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیستند، ابلاغ را یا به ترتیبی که در قرارداد داوری مقرر شده است انجام می‌دهند و یا به ترتیب دیگری که صلاح می‌دانند ولی وقتی که رأی داور صادر شد و داور آن را برای ابلاغ به دادگاه صالح تقدیم نمود، دادگاه در ابلاغ رأی داور اگر قرارداد طرفین ساکت بود، مقررات عمومی ابلاغ را باید رعایت کند.

مراجعه کنیم. به اعتبار اینکه اشخاص به حقیقی و حقوقی تقسیم می‌شوند و به اعتبار اینکه ابلاغ چگونه انجام بگیرد، آن را ابلاغ به شخص حقیقی و حقوقی و نیز به ابلاغ واقعی و قانونی تقسیم می‌کنند.

۱. ابلاغ به شخص حقیقی

منظور از شخص حقیقی^(۱) انسان است که به آن اصطلاحاً شخص طبیعی هم می‌گویند. در مقابل آن شخص حقوقی^(۲) قرار دارد که منظور از آن شخصی است اعتباری که مانند شخص حقیقی قانوناً دارای حقوق و تکالیف است. به تعریفی دیگر، شخص حقوقی عبارت است از گروهی افراد انسان یا منفعتی از منافع عمومی که قوانین موضوعه آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشد^(۳). شخص حقوقی هر چند اجتماعی از اشخاص حقیقی است و در حقیقت اشخاص طبیعی هستند که وظیفه شخص حقوقی را انجام می‌دهند، در عین حال خود شخصیتی جدا از افراد تشکیل دهنده‌اش دارد و جدای از آنها می‌تواند دارای حق و تکلیف باشد. در اینجا به بررسی ابلاغ به شخص حقیقی می‌پردازیم.

الف) ابلاغ واقعی به شخص حقیقی

اولین وظیفه مأمور ابلاغ اینست که اخطار یا اوراق دادرسی را به شخص مخاطب تسلیم نماید. این نوع ابلاغ را اصطلاحاً ابلاغ واقعی می‌نامند. قسمت اول ماده ۶۸ قانون آ.د.م. مقرر می‌دارد: مأمور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خوانده تسلیم و در برگ دیگر اخطاریه رسید بگیرد.

یکی از آثار حقوقی این نوع ابلاغ این است که اگر خوانده در دادگاه حاضر نشود و پاسخی ندهد حکم دادگاه حضوری تلقی می‌شود^(۴).

از آثار دیگر ابلاغ واقعی این است که مخاطب نمی‌تواند مدعی عدم ابلاغ شود^(۵).

^۱- natural person or personne physique.

^۲- legal, juridical person or personne morale ou juridique.

^۳- ر.ک. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق.

^۴- ماده ۳۰۳ قانون آ.د.م.

^۵- بند دوم تبصره ۱ ماده ۳۰۶ و تبصره ماده ۳۴۰ قانون آ.د.م.

ب) ابلاغ قانونی به شخص حقیقی

نخست لازم است بدانیم که «**ابلاغ قانونی**» یک اصطلاح است؛ یعنی وقتی صحبت از ابلاغ قانونی می‌شود منظور این نیست که ابلاغ دیگر غیر قانونی است بلکه منظور این است که غیر از ابلاغ واقعی، قانونگذار موارد دیگری از ابلاغ را هم پیش‌بینی کرده که همه آنها اصطلاحاً «**ابلاغ قانونی**» نامیده می‌شوند^(۱) که در ذیل به شرح زیر به آنها پرداخته می‌شود:

– **امتناع مخاطب از دریافت اوراق:** ممکن است مأمور ابلاغ ورقه قانونی را به مخاطب ارائه کند ولی مخاطب از گرفتن آن خودداری نماید در این صورت مأمور باید امتناع مخاطب را در زیر اختاریه گزارش و علاوه بر آن یک نسخه از اختاریه را هم در محل الصاق^(۲) و اوراق را به دفتر دادگاه اعاده کند. در این صورت، اوراق، ابلاغ شده فرض می‌شود. در این خصوص قسمت دوم ماده ۶۸ قانون آ.د.م. مقرر داشته: «در صورت امتناع خواننده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اختاریه قید و اعاده نماید.»

– **ابلاغ به کسان و بستگان:** ممکن است مأمور ابلاغ به اقامتگاه مخاطب مراجعه کند و مخاطب حضور نداشته باشد ولی همسر یا فرزندش یا یکی از بستگان و یا خادمش حضور داشته باشد. در این صورت اوراق را با دریافت رسید به یکی از آنان (هر کدام که حاضر بودند) تسلیم می‌کند. ماده ۶۹ قانون آ.د.م. مقرر می‌دارد:

هرگاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند، باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستگان یا خادمان او که سن ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اختاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند.

پس ملاحظه می‌شود که شرط صحت ابلاغ این است که اولاً، مأمور ابلاغ به محل اقامت مراجعه کند و خویشاوند یا خادم مخاطب در محل باشد و نمی‌تواند در جای دیگری یکی از بستگان مخاطب را پیدا کند و اوراق را تحویل دهد. ثانیاً، مأمور ابلاغ باید دقت کند کسی که اوراق را دریافت می‌کند بنا به اظهار خودش از بستگان مخاطب باشد و نمی‌تواند اوراق را به اشخاص دیگر مانند همسایه یا مستأجر یا مؤجر یا کاسب محل و امثالهم تسلیم کند. ثالثاً، کسی که اوراق را تحویل می‌گیرد در وضعیتی باشد که بتواند اهمیت اوراق را درک کند و در نتیجه مأمور نمی‌تواند اوراق را به کودک یا به شخصی که وضعیت ظاهر او دلالت بر حجر داشته باشد تسلیم کند.

^۱ - ر.ک. دکتر عبدالله شمس، همان منبع، صص ۹۴ و ۹۵.

^۲ - ماده ۷۰ قانون آ.د.م. همچنین دکتر عبدالله شمس، همان صص ۹۳.

- عدم حضور مخاطب: ممکن است در هنگام مراجعه مأمور ابلاغ، مخاطب یا کسان و بستگان وی در محل نباشند در این صورت، مأمور ابلاغ این موضوع را در اختاریه قید می‌کند و یک نسخه از اختاریه را در همان نشانی الصاق می‌کند و نسخه دیگر اختاریه را به دفتر دادگاه اعاده می‌نماید. مخاطب می‌تواند بعد از اطلاع به دفتر دادگاه مراجعه و اوراق را دریافت نماید. **ماده ۷۰ قانون آ.د.م. در این خصوص مقرر می‌دارد:**

چنانچه خوانده یا هریک از اشخاص یاد شده در ماده قبل در محل نباشند... مأمور ابلاغ این موضوع را در نسخ اختاریه قید نموده نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می‌کند و برگ اول را با سایر اوراق دعوا عودت می‌دهد در این صورت خوانده می‌تواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید.

- خودداری کسان و بستگان مخاطب از دریافت: ممکن است کسان مخاطب یا خادم مخاطب در محل حاضر باشد ولی از گرفتن اوراق خودداری کند در این صورت مأمور این موضوع را در اختاریه گزارش و یک نسخه را در محل الصاق و اوراق را با گزارش به دادگاه برمی‌گرداند در واقع حکم قانونی موردی که مخاطب و کسان و بستگان او در محل نباشند با موردی که از گرفتن اوراق امتناع کنند یکی است و هر دو مورد در ماده ۷۰ قانون آ.د.م. ذکر شده است. **ماده ۷۰ قانون آ.د.م. در بخش دیگر مقرر می‌دارد:**

«چنانچه... از گرفتن برگ‌های اختاریه استنکاف کنند...»

- ابلاغ در خارج از کشور: در خارج از کشور ممکن است دو وضعیت متفاوت برقرار باشد: وضعیت اول این است که ایران در کشور مورد نظر مأمور سیاسی یا کنسولی داشته باشد. در این صورت کار ابلاغ را آنها انجام می‌دهند؛ یعنی اختاریه از طریق وزارت امور خارجه به سفارت یا کنسولگری ایران در کشور مورد نظر ارسال می‌شود و آنها اختاریه را با فرستادن مأموران سفارت یا هر وسیله دیگری که ممکن باشد به مخاطب ابلاغ و نسخه ابلاغ شده را از طریق وزارت امور خارجه به دادگاه مربوط ارسال می‌کنند.

ماده ۷۱ قانون آ.د.م. مقرر می‌دارد:

ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می‌آید. مأموران یاد شده دادخواست و ضمائم آن را به وسیله مأمورین سفارت یا هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد برای خوانده می‌فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه

می‌رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خوانده، مأموران سیاسی یا کنسولی نباشند این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام می‌دهد.

وضعیت دوم، همان طور که در متن قانون ملاحظه شد، این است که ایران در کشور مورد نظر مأمور سیاسی یا کنسولی نداشته باشد^(۱)، مثلاً کشوری باشد مثل اسرائیل که ایران هنوز آن را به رسمیت نشناخته است. در این صورت ابلاغ را وزارت امور خارجه به هر صورتی که خودش صلاح می‌داند انجام خواهد داد. چنین وضعیتی البته نادر است.

- ابلاغ به شخصی که محل اقامت معلوم ندارد: ممکن است اقامتگاه مخاطب معلوم نباشد. مجهول‌المکان بودن مخاطب یا از اول معلوم است و یا بعداً معلوم می‌شود؛ یعنی خواهان محلی او را در دادخواست تعیین کرده است ولی هنگامی که مأمور به محلی که گمان می‌رود محل اقامت مخاطب است مراجعه می‌کند و معلوم می‌شود که محل اقامت مربوط به مخاطب نبوده است. در این صورت ابلاغ از طریق آگهی در روزنامه کثیرالانتشار به عمل خواهد آمد. این نوع ابلاغ مختص اشخاص حقیقی است و در مورد اشخاص حقوقی مصداق ندارد.^(۲)

ماده ۷۳ قانون آ.د.م. در این خصوص مقرر می‌دارد:

در صورتی که خواهان نتواند اقامتگاه خوانده را معین نماید یا در مورد ماده قبل پس از اخطار رفع نقص از تعیین نشانی اعلام ناتوانی کند، بنا به درخواست خواهان و دستور دادگاه مفاد دادخواست یک نوبت در یکی از روزنامه کثیرالانتشار به هزینه خواهان آگهی خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد.

توجه می‌دهد: هر چند یک مهلت یک ماهه برای جلسه رسیدگی معین شده است ولی همه آگهی‌ها برای جلسه رسیدگی ابلاغ نمی‌شود و چنین به نظر می‌رسد که اگر هر گونه ابلاغی از طریق آگهی به عمل آید حداقل یک ماه مهلت باید رعایت شود، مثلاً اگر از طریق آگهی وصول نظریه کارشناس ابلاغ شد نمی‌توان مانند ابلاغ‌های عادی یک هفته مهلت تعیین کرد و یک ماه مذکور باید رعایت شود. یا اگر حکم دادگاه از طریق انتشار آگهی ابلاغ می‌شود با توجه به تأکید ماده ۷۳ می‌توان گفت که مهلت واخواهی یا تجدیدنظرخواهی باید یک ماه باشد. زیرا همان طور که در اوّل بحث اشاره شد، مقررات ابلاغ هر چند ظاهراً در مبحث ابلاغ دادخواست بیان شده است ولی اختصاص به

^۱ - کشوری که ایران در آنجا حافظ منافع دارد مانند ایالات متحده امریکا مشمول این حکم نیست و این کشور در حکم کشورهای گروه اول است.

^۲ - ر.ک. دکتر عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، نشر میزان، ج ۲، ص ۹۸.

دادخواست و دادرسی ندارد و هر گونه ابلاغی که ضرورت داشته باشد خواه به خواهان، خواه به خوانده، خواه به کارشناس، خواه به شاهد و امثالهم باید بر طبق همین مقررات انجام گیرد و ماده ۷۳ در خصوص ابلاغ از طریق آگهی، قیدی تعیین کرده که این قید نمی‌تواند اختصاص به جلسه دادرسی داشته باشد و علی‌القاعده باید در تمام ابلاغ‌ها رعایت شود^(۱).

– ابلاغ به اشخاص غیر محصور: ممکن است مخاطب ما تعداد غیر معین از اشخاص باشد، مانند اهالی یک محله یا روستا یا شهر. در این صورت نیز لازم است ابلاغ در روزنامه کثیرالانتشار خطاب به اهالی درج و به آگاهی آنان برسد و هم لازم است نسخه‌ای از ورقه اعم از دادخواست یا اخطار به شخص یا اشخاص معینی که خواهان، آنها را معارض معرفی می‌کند ابلاغ شود. گفته شده که در اشخاص غیر محصور هم لازم است نام همه خواندگان در دادخواست ذکر شود و به تعداد آنان نسخه دادخواست تهیه شود^(۲). ولی این نظریه قابل انتقاد است زیرا با قید «غیر محصور» سازگار نیست و اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که ما بتوانیم اشخاص طرف دعوا را تعیین کنیم، قطعاً با اشخاص محصور طرف هستیم؛ هر چند تعداد آنها زیاد باشد و «غیر محصور» مصداق نخواهد داشت.

ماده ۷۴ قانون آ.د.م. در این خصوص مقرر می‌دارد:

در دعوی راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آنها غیر محصور است، علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل، یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آنها را معارض خود معرفی می‌کند ابلاغ می‌شود.

در این مورد باید به نکاتی توجه داشت:

نکته اول اینکه این گونه ابلاغ بسیار نادر است؛ زیرا همواره قابل تشخیص است که چه شخص یا اشخاصی با حق انسان معارض هستند و بسیار نادر است که تراجم حق یا اختلافی پیش آید که متوجه همه اهل یک محله یا روستا یا شهر باشد.

نکته دوم اینکه اگر اختلافی بین یک شخص یا عده‌ای غیر محصور مانند اهالی یک شهر به وجود آید، ممکن است انسان نتواند شخصی معین را به عنوان معارض اصلی خود معرفی کند. بنابراین حتماً لازم نیست که انسان شخص یا اشخاص معینی را به عنوان معارض خود معرفی کند. اگر چنین اشخاصی بودند البته لازم است معرفی کند ولی اگر

^۱ - قید آخر ماده ۷۳ مهلت‌های عمومی را تخصیص داده است ولی طبق روش مرسوم در دادگستری در اغلب موارد عملاً این قید در سایر ابلاغ‌ها رعایت نمی‌شود.

^۲ - ر.ک. دکتر عبدالله شمس، همان، ص ۹۷.

نبودند یا برای خواهان قابل تشخیص نبود، به نظر می‌رسد علاوه بر آگهی، ابلاغ به مدیر قانونی شهر مانند شهردار و فرماندار بخشدار کفایت کند همچنین اگر مخاطبان اهالی یک روستا باشند، ابلاغ به کدخدا کفایت می‌کند^(۱).

نکته سوم اینکه مانند مورد قبلی به این نکته توجه شود که حکم ماده ۷۴ اختصاص به ابلاغ دادخواست ندارد و همه مواردی را که ابلاغ ضرورت دارد شامل می‌شود. بنابراین اگر بعد از ابلاغ دادخواست جلسات دیگری تشکیل شد و دعوت از طرفین ضرورت پیدا کرد و یا اخطارهای قانونی دیگری لازم شد به همان روش عمل خواهد شد.

۲. ابلاغ به اشخاص حقوقی

اشاره شد که شخص حقوقی را قانونگذار از حیث حقوق و تکالیف مانند شخص حقیقی محسوب می‌کند و از جهت مدنی آن را جدا از شخصیت افراد تشکیل‌دهنده آن در نظر می‌گیرد. شخص حقوقی بر دو نوع است:

شخص حقوقی خصوصی و شخص حقوقی عمومی.

شخص حقوقی خصوصی شخصی است که در حیطه حقوق خصوصی به وجود آمده است، مانند شرکت‌های تجاری، بنیادهای خصوصی، شرکت‌های تعاونی، مؤسسات خیریه و امثال آنها. این گونه اشخاص را اشخاص حقیقی به عنوان یک شخصیت مستقل از خودشان به وجود می‌آورند. در خصوص ابلاغ به شخص حقوقی خصوصی طبق ماده ۷۶ قانون آ.د.م. اوراق دادرسی باید به مدیر یا قائم‌مقام او یا دارنده حق امضا ابلاغ شود و اگر ابلاغ به این صورت به عمل آید می‌توان گفت که واقعی است^(۲). و در صورتی که ابلاغ به این صورت ممکن نباشد باید به مسؤول دفتر شخص حقوقی با رعایت مقررات مواد ۶۸، ۶۹ و ۷۲ انجام شود. در صورت اخیر، ابلاغ، قانونی محسوب می‌شود.

- شخص حقوقی عمومی: هر گاه شخص حقوقی موضوع حقوق عمومی هم باشد، آن را شخص حقوقی در حقوق عمومی نامند^(۳). به عبارت دیگر، شخص حقوقی عمومی شخصی است که به موجب قانون برای اداره امور عمومی اجتماع به وجود آمده است، مانند وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت، سازمان‌ها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و شهرداری‌ها.

۱- ر.ک. دکتر احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۲، نشر دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۵۲.

۲- ر.ک. دکتر عبدالله شمس، همان منبع، ص ۹۱.

۳- ر.ک. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق.

ماده ۷۵ آیین دادرسی مدنی در خصوص ابلاغ به شخص حقوقی عمومی مقرر می‌دارد: در دعوی راجع به ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و مؤسسات مأمور خدمات عمومی و شهرداری‌ها و نیز مؤسساتی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها متعلق به دولت است، اوراق اخطاریه و ضمائم به رئیس دفتر مرجع مخاطب یا قائم‌مقام او ابلاغ و در نسخه اول رسید اخذ می‌شود. در صورت امتناع رئیس دفتر یا قائم‌مقام او از اخذ اوراق، مراتب در برگ اخطاریه قید و اوراق اعاده می‌شود. در این مورد استنکاف از گرفتن اوراق اخطاریه و ضمائم و ندادن رسید تخلف از انجام وظیفه خواهد بود و به وسیله مدیر دفتر دادگاه به مراجع صالح اعلام و به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد.

ابلاغ به رئیس دفتر در حکم ابلاغ واقعی است و غیر از آن به هر نحو دیگری که ابلاغ صورت پذیرد واقعی محسوب نخواهد شد.

بعد از بحث ابلاغ اینک به بحث اعتراض به احکام با رعایت اختصار پرداخته می‌شود.

بخش پنجم - اعتراض به احکام دادگاه

نسبت به احکامی که در دادگاه نخستین صادر می‌شود، قانوناً دو راه اعتراض وجود دارد. واخواهی و تجدیدنظرخواهی. واخواهی مخصوص احکام غیابی و تجدیدنظرخواهی مخصوص احکام حضوری است. و اما بحث واخواهی.

گفتار اول - واخواهی

اشاره شد که واخواهی مخصوص احکام غیابی است. پس اول باید دید که چه حکمی غیابی است.

ماده ۳۰۳ قانون آ.د.م. به عنوان قاعده اعلام می‌دارد:

حکم^(۱) دادگاه حضوری است مگر اینکه خوانده یا وکیل یا قائم‌مقام یا نماینده قانونی وی در هیچ‌یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و به طور کتبی نیز دفاع ننموده باشد و یا اخطار واقعی نشده باشد.

بنابراین ملاحظه می‌شود که «غیابی» یک اصطلاح است و معنایش این نیست که دادگاه حکم خود را در حضور طرفین دعوا صادر نکند. اساساً رویش معمول در دادگاه‌ها این است که حکم را در

¹ judgement.